

مقاله پژوهشی: تحلیلی آینده‌پژوهانه از هندسه نظم نوین جهانی مبتنی بر دیدگاه‌های فرماندهی معظم کل قوا

محمود عسگری^۱، ایمان فروغی حسن‌آبادی^۲، محمدعلی شیخ‌الاسلام^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

چکیده

نظم جهانی گذشته تا حد زیادی با مؤلفه‌هایی همچون سیطره آمریکا در ابعاد گوناگون قدرت جهانی معنا می‌شد؛ در واقع در ۷۰ سال اخیر، قدرت‌های غربی به‌ویژه ایالات متحده با استفاده از توان سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود و بهره‌گیری از منابع طبیعی و ثروت سایر مناطق ضعیف‌تر، توانستند نظم موجود را بازتولید نمایند، البته به‌واسطه تحولاتی مانند جهانی‌شدن، انقلاب ارتباطی/اطلاعاتی، وابستگی‌های متقابل فزاینده، روند ظهور و به‌ویژه سقوط قدرت‌ها، شتابی فزاینده گرفته است. به نظر مقام معظم رهبری، «امروز جهان در آستانه نظم جدید بین‌المللی است که این نظم، بعد از دوران نظم دو قطبی جهان، و نظریه نظم جهان تک قطبی در حال شکل‌گیری است». با توجه به این مطالب، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که عوامل تأثیرگذار از نظر مقام معظم رهبری در تغییر نظم نوین جهانی کدامند؟ روش تحقیق این مقاله، توصیفی، نوع تحقیق براساس هدف، توسعه‌ای و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای بوده است، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است. یافته اصلی مقاله آن است به باور رهبر انقلاب، نظم و نظام موجود در حال از بین رفتن است و شرایط کنونی را می‌توان در قالب مفهوم «پیچ تاریخی» صورت‌بندی نمود، همچنین جهان پس از این نظام، شاهد متروک شدن مکاتب مادی و احیای مجدد ارزش‌ها و مفاهیم اسلامی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: مقام معظم رهبری، آینده‌پژوهی، هندسه نظم نوین جهانی، بیداری اسلامی، قدرت ج.ا.ایران

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی - نویسنده مسئول - asgari_researcher@yahoo.com

۲. پژوهشگر دانشگاه عالی دفاع ملی

۳. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری - دانشگاه علم و صنعت ایران

۱. مقدمه

از زمان شکل‌گیری جوامع و تمدن‌ها برخی قواعد شکل گرفته و قابل استخراج بوده‌اند. ازجمله مهم‌ترین این قواعد، ظهور و سقوط تمدن‌ها و قدرت‌هاست؛ به عبارتی هیچ تمدنی، جاودانه نبوده و در سیر تطور خود با فراز و فرودهایی همراه بوده است. در طی تاریخ بشری، این قاعده همواره بر سرنوشت اقوام گوناگون، حاکم و مسلط بوده است. بررسی تاریخ و سرگذشت تمدن‌های مختلف، شاهد مدعای مناسبی در این زمینه می‌باشد. ظهور و سقوط قدرت‌ها دلایل گوناگونی داشته است، ولی جنگ‌های بین‌المللی ازجمله نقاط عطفی به‌شمار می‌آیند که پس از آنها، نظم و نظام نوینی از سوی برندگان، طراحی و اجرا می‌گردد؛ همان‌گونه که ساختار موجود در نظام بین‌الملل، پس از جنگ جهانی اول شکل گرفت؛ در واقع پس از این جنگ بود که امپراطوری مسلمانان (عثمانی) دچار افت شدیدی شد و قدرت‌های فاتح با تجزیه این امپراطوری، مناطق به‌دست آمده را بین خود تقسیم نمودند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۳۶-۱۳۷) و موازنه قوا جدیدی شکل گرفت. (لیتل، ۱۳۸۹: ۲۰۷)

در ۷۰ سال اخیر، قدرت‌های غربی به‌ویژه ایالات متحده با بهره‌گیری از توان سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود و با بهره‌گیری از منابع طبیعی و ثروت سایر مناطق ضعیف‌تر، توانستند ضمن تولید و اعمال قدرت در سطوح و ابعاد گوناگون و تضعیف مقاومت‌های احتمالی، نظم مورد نظر خود را بازتولید نمایند، ولی همان‌گونه که تاریخ نشان داده است هیچ قدرت و تمدنی همیشگی نیست، البته به‌واسطه تحولاتی مانند جهانی‌شدن، انقلاب ارتباطی / اطلاعاتی، وابستگی‌های متقابل فزاینده، بیداری ملت‌ها، افزایش آگاهی افکار عمومی، پدیده‌ای با عنوان «سرعت تاریخ» شکل گرفته که در نتیجه آن، روند ظهور و به‌ویژه سقوط قدرت‌ها، شتابی فزاینده یافته است. به راستی در چنین محیطی، چه تحلیلی می‌توان از آینده هندسه نظم نوین جهانی ارائه داد؟ اندیشمندان برجسته در کنار رهبران از جمله مراجعی هستند که با برخورداری از استدلال‌های منطقی، آگاهی از تاریخ و روندهای آن، داشتن مبانی فکری مستحکم، نظام اندیشگی راهبردی، می‌توانند تحلیلی دقیق از شرایط کنونی داشته و تصویر درستی از آینده ترسیم نمایند. در جمهوری اسلامی ایران نیز مقام معظم رهبری، همواره تحلیل‌های روزآمد از شرایط و روندها ارائه داده‌اند. فرماندهی معظم کل قوا همواره با رصد و پایش محیطی، تحلیل‌هایی راهبردی از شرایط ارائه می‌نمایند. بیانات زیر به‌خوبی گویای مطالب یادشده است:

«امروز جهان در آستانه یک نظم جدید بین‌المللی است که این نظم، بعد از دوران نظم دو قطبی جهان، و نظریه نظم جهان تک قطبی در حال شکل‌گیری است که البته در این دوره آمریکا روزه‌روز ضعیف‌تر شده است. ... قضایای جنگ اخیر اوکراین را باید عمیق‌تر و در چارچوب شکل‌گیری نظم جدید جهانی دید که احتمالاً فرآیندهای پیچیده و

دشواری، در پی آن شکل خواهد گرفت که در چنین شرایط جدید و پیچیده‌ای وظیفه همه کشورها از جمله جمهوری اسلامی حضور سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در این نظم جدید به‌منظور تأمین منافع و امنیت کشور و به حاشیه نرفتن است.... برای انجام چنین وظیفه بزرگی بیشترین مسئولیت برعهده دانشجویان و دانشگاهیان است».

(بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۲/۶)

تحلیل روندهای جهانی بیانگر آن است که مسیر و نظم پیشین جهانی به‌واسطه برخی عوامل و دگرگونی در شرایط، دستخوش تغییراتی اساسی شده است. مقام معظم رهبری براساس متغیرهایی همچون بیداری ملت‌ها، وجود آمارهای نشانگر آغاز افول آمریکا (بیانات مورخه ۱۴۰۱/۸/۱۱) و واقعیت‌هایی همچون ظهور و بروز قدرت‌های آسیایی مانند چین و ... این تغییر در نظم نوین جهانی را تبیین نموده‌اند.

مسئله این مقاله آن است که هنوز تحقیقی در خصوص آینده نظم نوین جهانی مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری انجام نشده است.

در مقام تبیین اهمیت موضوع باید گفت شناخت روندها و شرایط آینده از الزام‌های آمادگی است. بدون چنین شناختی، مسیر و مقصد برنامه‌های آماده‌سازی در فضای ابهام‌آلود خواهد بود. شناسایی نشانه‌ها از هوشیاری رهبران می‌باشد، هرچند ترسیم خط و خطوط مسیر تحولات آینده، از وظایف رهبران هوشمند است. (نی‌نوس، ۱۳۷۷: ۳۰) ترسیم آینده از گام‌های مهم در آینده‌سازی بوده و جهت‌دهنده به تحلیل‌هاست. تبیین آینده‌ای مبتنی بر نشانه‌شناسی واقعیت‌مدار مبنی بر آشکار شدن بسترهای افول رقبا و دشمنان، امیدآفرین بوده و تحریک‌کننده تداوم مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌ها و قدرت‌سازی و قدرت‌افزایی است. اهمیت دیگر این شناخت آن است که می‌تواند در سمت‌وسوگیری‌های راهبردی، شکل‌گیری ائتلاف‌ها و آمادگی برای نقش‌آفرینی در آینده مؤثر باشد. نویسندگان در این مقاله در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که فرماندهی معظم کل قوا چه تحلیلی از هندسه نظم نوین جهانی دارند؟ عوامل تأثیرگذار از نظر مقام معظم رهبری در تغییر نظم نوین جهانی کدامند؟

در ادامه پس از بیان مباحث نظری در مورد آینده‌پژوهی، بیانات رهبر معظم انقلاب در خصوص نظم نوین جهانی و عوامل مؤثر بر تغییر آن، ارائه و بررسی می‌گردد.

۲. مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

(۱) نویسندگان در مقاله‌ای به این موضوع اشاره کرده‌اند که از زمانی که آمریکا موفق شد بر اردوگاه کمونیسم پیروز شود، عموم متفکران راه آمریکا در این خصوص را هموار تلقی می‌کردند و برخی کوشیدند اسلام را تنها مانع پیش‌روی آمریکا در قرن پیش‌رو برشمارند؛ اما هیچ‌کس به محور مقاومت در غرب آسیا و تأثیر آن

در این باره توجهی نمود. تنها پس از خروج رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان و شکست این رژیم در جنگ ۳۳ و ۲۲ روزه بود که نگاه‌ها معطوف به محور مقاومت گردید. این مقاله با استفاده از نظریه نظام جهانی و روش تحلیلی - توصیفی به بررسی نقش محور مقاومت در مقابله با نظام سلطه و آینده این نظام می‌پردازد. فرضیه مقاله، این است که جبهه مقاومت با محوریت ایران و تکیه بر آرمان‌های اسلامی در منطقه توانسته مشروعیت نظام سلطه را به چالش بکشد. تقویت این مقاومت در آینده می‌تواند نظام سلطه را به پایان راه خود نزدیک سازد. (محمودی رجا، باقری دولت‌آبادی، راوش، ۱۳۹۷: ۲۸-۷)

(۲) در مقاله‌ای به این نکته توجه شده است که نظم نوین جهانی پس از فروپاشی شوروی در پی تحقق جهانی تک‌قطبی، با هدف تسلط ارزش‌ها و هنجارهای آمریکایی بر نظام بین‌الملل بوده است. دغدغه مقاله، پرسش از صورت‌بندی مفهومی نظم مطلوب نظام بین‌الملل بر اساس مفاهیم موجود در بیانیه گام دوم می‌باشد. روش پژوهش این مقاله توصیفی - تحلیلی و متمرکز بر بیانات آیت‌ا... خامنه‌ای به‌ویژه بیانیه گام دوم انقلاب و از نوع اسنادی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد مفاهیمی نظیر ضرورت مرزبندی با دشمن، ارائه شعارهای انسانی و فطری و دوگانگی استکبار و اسلام نشان‌دهنده آن است که ایران اسلامی، ضمن مخالفت با نظامات حاکم در روابط بین‌المللی به دنبال تحقق نظم نوین در جهان است. (جعفری‌پناه، ۱۳۹۹: ۱۲۷-۱۱۱)

(۳) مقاله‌ای به این موضوع پرداخته است که تحقق نظم مطلوب جهانی، از دغدغه‌های اساسی رهبران مصلح جهانی است. در اندیشه مقام معظم رهبری که برگرفته از اسلام ناب محمدی (ص) است، دستورالعمل جامعی برای تغییر نظم موجود جهانی و دستیابی به نظم مطلوب وجود دارد. پرسش اصلی مقاله آن است که سازوکارها و راهبردهای تحقق نظم مطلوب جهانی از منظر مقام معظم رهبری کدامند؟ نسبت این نظم با مبانی و آموزه‌های دینی اسلامی چیست؟ در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به بررسی موضوع تحقیق پرداخته شده است و این گونه نتیجه‌گیری نموده است که رهبر انقلاب، تحقق نظم مطلوب جهانی را با بهره‌گیری از راهبردهایی مانند تقویت جریان‌ات دینی و اسلامی، عدالت و انسجام اسلامی امکان‌پذیر می‌داند. (عباس‌تبار مقری، هاشمی‌میارکلایی، ۱۴۰۰: ۲۰۴-۱۷۷)

همان‌گونه که مشخص است متأسفانه مقالات معدودی در خصوص موضوع این تحقیق تدوین شده است و منابع مورد اشاره نیز ارتباط اندکی با موضوع این مقاله دارند که مؤید وجه نوآورانه این مقاله است.

۲-۲. ادبیات تحقیق

بسیاری از حوادث و تحولات آینده قابل پیش‌بینی و واپایش هستند، ولی در اغلب موارد فشار کارهای جاری و روزمره، مدیران و سیاست‌گذاران را از توجه به آن و چاره‌جویی برای تحت

و اپایش در آوردن این مهم بازمی‌دارند. «قانون برنامه‌ریزی گرشام»^۱ امین تکرار و استمرار این غفلت و نادیده گرفتن آینده‌نگری است که به‌موجب آن، امور جاری روزمره سبب کنار زدن و خارج ساختن آینده از دستورکارها می‌شود، البته افرادی مانند رهبران هوشمند، نباید گرفتار این روزمرگی شده و در چنین شرایطی است که کشورها می‌توانند غافلگیر نشده، در مسیر رشد و بالندگی حرکت نموده و خود را برای مواجهه با آینده‌های محتمل آماده کنند.

به عقیده نگارنده این سطور، مفروض آینده‌پژوهی «به‌عنوان دانش و معرفت شکل‌بخشیده به آینده به‌گونه‌ای آگاهانه، فعالانه و پیشدستانه» (ملکی‌فر، ۱۳۸۵)، آن است که آینده‌ها متعددند و در انتخاب آنها، انسان‌ها تا حدی آزادی عمل دارند. آینده الزاماً تداوم گذشته نیست؛ زیرا در شکل‌گیری آینده، بازیگران بسیاری دخیل‌اند که عملکرد امروز آنان به طرح‌های آینده بستگی دارد. (توفیق، ۱۳۷۷: ۸۱)

از نظر آینده‌پژوهی، عملی که در زمان حال اتفاق می‌افتد، همان چیزی است که به آینده شکل می‌دهد؛ به عبارتی، با توجه به اوضاع و احوال کنونی و امیدهای آینده، باید چه کرد تا آینده مطلوب را به‌وجود آورد. تفکر در مورد آینده، نقش شناخت موقعیت را ایفا می‌کند. (مافی، ۱۳۹۰: ۳۵)

هدف اصلی پژوهش و مطالعه آینده، ارزیابی و هدایت مطمئن تغییرها از راه‌هایی از جمله «آمادگی برای آینده‌های پیش‌بینی نشده» می‌باشد. هدف آینده‌پژوهی فقط یافتن میدانی برای نوآوری و تغییر روال گذشته نیست، بلکه غایت اصلی آن، شناخت آینده‌های ممکن و حتمی و انتخاب میان آنها برای تعیین تکلیف اقدام‌های امروز در کنار حفظ و گسترش بهروزی و ظرفیت‌های ادامه حیات بر روی کره زمین می‌باشد. هر چند آینده‌پژوهی مدعی است که سعی در کاهش عدم قطعیت دارد، ولی بهتر است گفته شود که می‌کوشد عدم قطعیت‌ها را مدیریت کند.

به‌طور کلی دو روش برای بررسی آینده وجود دارد:

(۱) روش توصیفی که به توصیف عینی آینده می‌پردازد.

(۲) روش تجویزی که بر آنچه که باید در آینده باشد، دلالت دارد. (Methods and

Approaches...., www.wfs.org)

به‌منظور آینده‌پژوهی روش‌های گوناگونی وجود دارد. از آن جمله می‌توان به روش تأثیر متقاطع^۲، روش دلفی^۳، روش سناریوسازی^۴ و روش تحلیل روندها^۵ اشاره کرد که با توجه به موضوع

^۱Gresham Law of Planning

^۲Cross-Impact Analysis

^۳Delphi

^۴Scenario Building

^۵Trend Analysis

تحقیق، به نظر می‌رسد رویکرد مقام معظم رهبری را بهتر و بیشتر بتوان با روش تحلیل روندها مبتنی بر نشانه‌شناسی تبیین کرد.

در بیشتر رشته‌های علوم اجتماعی این دیدگاه‌ها هستند که جوهره و جان‌مایه اصلی برنامه‌های افراد و جوامع را تشکیل می‌دهند. برخی از محققان امور راهبردی مانند فیگنباوم، هارت و شندل معتقدند نقشی که دیدگاه‌ها در زندگی فردی ایفا می‌کنند، در زندگی اجتماعی نیز بازی می‌کنند. (Fiegenbaum, Hart, Schendel, 1996: 219-235)

بنابر مطلب گفته‌شده، طرح دیدگاه‌هایی از سوی افرادی همچون رهبران و نهادهایه کردن آن در اذهان افراد جامعه، می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

۲-۱. تحلیل آینده‌پژوهی فرماندهی معظم کل قوا در مورد هندسه نظم نوین جهانی

۲-۱-۱. ابزار تحلیل؛ رویکرد مناسب

از نظر مقام معظم رهبری، شرط لازم برای آینده‌پژوهی، داشتن رویکرد مناسب است. این واقعیتی انکارناپذیر است که بدون رویکرد مناسب، آینده و واقعیت‌ها درست دیده نمی‌شوند و در چنین شرایطی نمی‌توان درک صحیحی از رویدادهای پیش‌رو داشت، از این‌رو معتقدند:

«ما به مسائل جهانی و مسائل منطقه‌ای و از جمله مسائل کشورمان، باید نگاه کلان و جامع داشته باشیم؛ این نگاه کلان، به ما معرفت و بصیرتی را عطا می‌کند که اولاً موقعیت خودمان را، جایگاه خودمان را، ایستگاه خودمان را در وضع کنونی بازیابی کنیم و بفهمیم در چه وضعی قرار داریم؛ بعد هم به ما تعلیم می‌دهد که برای آینده چه باید بکنیم». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

بنابر آنچه بیان شد و به لحاظ منطقی، ضروری است دولتمردان کشور ضمن شناخت درست وضعیت، روندها و شرایط جهانی، تصویری صحیح از موقعیت کشور و مسیر مطلوب برای رسیدن به آینده موردنظر ترسیم نمایند.

۲-۱-۲. هسته تحلیل؛ تغییر و تبدیل هندسه نظم حاکم بر دنیا

مقام معظم رهبری براساس ادراک خود، به این جمع‌بندی رسیده‌اند که فرایند تغییر و تحول در هندسه نظم نوین و ساختار جهانی آغاز شده است و این مفروض و هسته تحلیل آینده‌پژوهانه معظم‌له می‌باشد:

«در نگاه کلان به کل جهان - و از جمله به منطقه - انسان به این نکته اساسی برخورد می‌کند که نظم مستقر حاکم قبلی دنیا در حال تغییر و تبدیل است، این را انسان می‌فهمد و مشاهده می‌کند. بعد از جنگ اول جهانی، یک نظم جدیدی در عالم و به‌خصوص در منطقه ما به‌وجود آمد؛ قدرت‌هایی جان گرفتند، قدرت‌های برتر عالم شدند؛ و بعد از جنگ دوم جهانی - که تا کنون حدود هفتاد سال از پایان آن می‌گذرد

- این نظم جهانی استقرار پیدا کرد و مدیریت عالم به شکل خاصی در آمد. غرب در واقع، چه به شکل نظام سوسیالیستی و چه به شکل نظام لیبرالیستی - که هر دو غربی بودند - حاکم بر مدیریت جهان شد و مدیریت جهان در اختیار اینها قرار گرفت. آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و مناطق گوناگون دنیا تحت نفوذ و هیمنه و اراده اینها در طول این هفتاد سال حرکت کردند. انسان به روشنی می‌بیند که این نظم در حال تغییر است». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

با عنایت به تحلیل معظم‌له و واقعیت‌های جهانی، باید پذیرفت که جهان در مرحله گذار و ورود به نظم جهان نوینی است؛ نظامی که دارای تفاوت‌های اساسی با نظم گذشته است. به گمان معظم‌له، پذیرش این تغییر و شناخت آن بسیار ضروری است.

۲-۲. نشانه‌های تغییر هندسه نظم و نظام جهانی

ویژگی نگاه آینده‌پژوهانه مقام معظم رهبری آن است که فقط مبتنی بر آرمان‌ها نیست، بلکه نشانه‌شناسی از واقعیت‌های موجود و برقراری توالی و ارتباط منطقی بین آنها هم بخشی از نظام اندیشگی ایشان است. از این رو، رهبر فرزانه انقلاب، مبانی و شالوده تمدن و قدرت غرب (آمریکا) را شناسایی می‌نماید که گویای این واقعیت است که رویکرد ایشان در بستری از آگاهی و شناخت شکل گرفته است.

۲-۲-۱. پایه‌های فکری - ارزشی و عملی نظم و نظام پیشین

مبانی نظام کنونی حاکم بر جهان دارای دو پایه فکری و عملی است که به‌خوبی از سوی معظم‌له مورد اشاره قرار گرفته است:

«نظم قبلی - که ... حدود هفتاد سال به‌نحو مستقر در دنیا حاکم بود - دو پایه اساسی داشت: یک پایه فکری و ارزشی، و یک پایه عملی، یعنی نظامی و سیاسی. عرض من این است که هر دو پایه امروز دچار چالش شده، دچار تزلزل شده... اما آن پایه اخلاقی و فکری عبارت بود از ادعای برتری فکری و ارزشی غرب - شامل اروپا و آمریکا - بر بقیه مناطق جهان و بقیه ملل عالم. شعارهایی را اینها مطرح کردند که این ربطی به پیشرفت‌های علمی و صنعتی ندارد؛ شعارهای جذاب و فریبنده مثل شعار آزادی، شعار دموکراسی، شعار حقوق بشر، شعار دفاع از ملت‌ها و از آحاد انسان‌ها را سردست گرفتند و مطرح کردند و خواستند برتری نظام ارزشی خودشان را بر سایر مناطق عالم، بر ادیان عالم، بر نحله‌های گوناگون فکری و به‌خصوص بر اسلام، از این طریق تثبیت کنند. موفق هم شدند؛ یعنی در دنیای اسلام ما، افرادی، گروه‌هایی، شخصیت‌های سیاسی‌ای و دولت‌هایی که حقیقتاً معتقد شدند به برتری نظام ارزشی غرب، کم نیستند. امروز هم در داخل جامعه ما کسانی هستند که همین فکر و همین عقیده را دارند... در بخش دوم که بخش عملی است - که پایه دوم قدرت غرب و تسلط غرب بر مدیریت جهان بود - مسئله توانایی‌های سیاسی و نظامی بود که اگر ملت‌ها یا دولت‌ها یا

جریان‌های گوناگونی تحت تأثیر آن نظام ارزشی و آن جنبه اول قرار نمی‌گرفتند و تسلیم نمی‌شدند و ایستادگی می‌کردند، اینها با فشار سیاسی و با فشار نظامی با آنها مواجه می‌شدند و کارهای زیادی را انجام می‌دادند که کسانی که زیر بار آن عامل اول نمی‌رفتند، با فشار عامل دوم، یعنی فشار سیاسی و فشار نظامی و امنیتی، مجبور بشوند با آنها همراهی کنند و همکاری کنند...» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

۲-۲-۲. عوامل مؤثر در تزلزل پایه‌های نظام/نظم کنونی حاکم

در گام بعدی، معظم‌له در راستای شناخت و تبیین روند رو به افول غرب (آمریکا) از رویکرد نشانه‌شناسی بهره می‌گیرند؛ به عبارتی ترسیم خوب روندها در گرو شناسایی نشانه‌ها و علائم موجود است، بنابراین رهبر فرزانه انقلاب در گام نخست، پایه‌های نظام موجود را بیان کردند و در این مرحله به برشماری علائمی می‌پردازند که گویای فرسایش و زوال پایه‌های یادشده می‌باشند.

۲-۲-۲-۱. عوامل تزلزل پایه‌های نظام ارزشی

(۱) بحران اخلاقی و متلاشی شدن خانواده‌ها

بی‌تردید، امنیت اخلاقی از مهم‌ترین مبانی تداوم جوامع می‌باشد و خانواده، مهم‌ترین هسته هر اجتماع تلقی می‌گردد. پیامد کاربست فرهنگ مادی‌گرای غرب، شیطان‌پرستی و پوچ‌گرایی از یک‌سو و متلاشی شدن خانواده از سوی دیگر بوده است؛ واقعیتی که مورد ادعان برخی صاحب‌نظران نیز می‌باشد. برای مثال، فرانسیس فوکویاما، اندیشمندی که با ارائه نظریه «پایان تاریخ» به شهرت رسید، در کتابی، بحران اخلاقی را یکی از بزرگ‌ترین معضل‌های آمریکا قلمداد می‌کند. (Fukuyama, 1995) به‌هرحال، مقام معظم رهبری، رسیدن آمریکا به چنین وضعی را نشانه ضعف و زوال می‌دانند:

«یکی از این عواملی که نظام ارزشی غرب را و سلطه معنوی این نظام را متزلزل کرده، بحران رو به افزایش اخلاقی و معنوی در غرب است؛ که نشانه بارز آن رواج احساس پوچی، احساس بیهودگی، احساس ناامنی روحی در بین آحاد مردم - بخصوص در بین جوان‌ها - در غرب است. بنیان خانواده در غرب دچار تزلزل شدید است و متلاشی شده که این آثار را می‌گذارد.» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

بی‌تردید فضای مجازی در رسیدن جوامع غربی به این شرایط بسیار اثرگذار بوده‌اند. بسیاری از اندیشمندان بر این واقعیت تأکید دارند. دکتر جودیت ریزمن، دانشمندی است که اعلام نمود جامعه آمریکا معتاد به فیلم‌های مستهجن شده است که تأثیر شگرفی در تضعیف پایه‌ها و مبانی خانواده‌ها داشته است. (Reisman, 2012: 236)

(۲) ارزش شدن منکرها

بررسی تاریخ جوامعی که پایبند به اصول اخلاقی نبوده و لذت‌جویی بدون هیچ‌گونه محدودیت را در دستورکار خود قرار دادند، به‌روشنی نشان می‌دهد که سرنوشت چنین جوامعی در عصر کنونی نیز جدا از سرنوشت ذلت‌بار و توأم با سقوط پیشینان آنها نمی‌باشد. افزون بر جامعه، در ارتش آمریکا نیز این مشکل وجود دارد. برای مثال، در سند «بررسی دفاعی چهارسالانه» عنوان شده است که باید در ارتش آمریکا محیطی ایجاد شود تا نگرانی زنان در مورد تجاوز جنسی به آنها در محیط‌های نظامی از بین برود. همچنین به‌تازگی ارتش آمریکا پذیرفته است که همجنس‌بازان نیز می‌توانند در ارتش خدمت کنند و اکنون یکی از دغدغه‌های ارتش، توجیه این تصمیم می‌باشد. (DoD, 2014: 44-45) فرماندهی معظم کل قوا نیز این مطلب را مورد تأکید قرار داده‌اند:

«مسئله ارزش شدن منکرات؛ مثلاً همجنس‌بازی در غرب می‌شود ارزش؛ مخالفت با همجنس‌بازی می‌شود ضد ارزش! که اگر ... با کسی، با یک مقام دولتی‌ای، رئیس‌جمهوری، شخصیت برجسته‌ای مصاحبه کنند و او بگوید من با همجنس‌بازی مخالفم، این به‌عنوان یک نقطه منفی در کارنامه او در دنیا تلقی می‌شود ... وقتی که یک نظام اخلاقی به این سرانشیب افتاد، دیگر قابل جلوگیری نیست و سرنوشتی جز متلاشی شدن ندارد». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۶/۱۳)

(۳) گرایش به مذهب

مطالعات اندیشمندان نشان می‌دهد روندی جدی در گرایش به‌سوی اسلام از سوی جوامع گوناگون دیده می‌شود (Olago, March 07, 2014) آمارها بیانگر آن است که جمعیت مسلمانان اروپا از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ در حدود ۱۴/۵ میلیون نفر افزایش یافته است و پیش‌بینی می‌شود در ۲۰ سال آینده جمعیت مسلمانان اروپا ۱۴ میلیون نفر افزایش یابد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد عواملی همچون تأثیر معکوس تبلیغات منفی غرب علیه اسلام، تحریک غیرمسلمانان برای مطالعه در مورد اسلام و افزایش تعداد مساجد و مراکز تبلیغی - اسلامی در این گرایش مؤثر بوده‌اند. (اکبری کریم آبادی، ۱۳۹۳: ۴۳-۲۸) که به‌نوعی واکنشی به بی‌اخلاقی‌ها و بحران‌های روحی جوامع غربی بوده و نشانه چالشی مهم برای نظام ارزشی مادی‌گراست. مقام معظم رهبری به‌روشنی این مطلب را بیان نموده‌اند:

«عامل (بعدی) میل به مذهب است؛ که این در واقع واکنش به همین عامل اول است. در بین جماعات گوناگون کشورهای غربی، میل به مذهب، علاقه به مذهب، به‌طور خاص علاقه به اسلام، گرایش به اسلام، گرایش به فهم قرآن روزبه‌روز بیشتر شده است؛ که این را کسانی که دست‌اندرکارند، به‌خوبی می‌دانند. این هم یکی از چیزهایی است که نظام اخلاقی و ارزشی غرب را به‌شدت دچار چالش

کرده...» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۶/۱۳)

(۴) تناقض شعارها و عملکردها

بی‌گمان همسویی نظر و عمل و صداقت در گفتار و رفتار از جمله عوامل جذابیت بوده و در مقابل، تناقض بین شعارها و اقدام‌ها و یا داشتن استانداردهای دوگانه در برخورد با رویه‌ها، سیاست‌ها و ... نشان از عدم صداقت داشته، مبانی مورد ادعای مدعیان را به چالش می‌کشد. آمریکا در حالی شعار دموکراسی را سر می‌دهد که حامی دولت‌های دیکتاتورمآب و سرکوبگر است، و باوجود نقض آشکار آزادی‌های افراد حتی در ایالات متحده، مدعی حافظ حقوق بشر بودن است. این مهم که امروزه بسیاری از جوامع به آن آگاهی یافته‌اند و از نگاه تیزبین مقام معظم رهبری نیز دور نمانده، باعث تضعیف ارزش‌هایی می‌گردد که غرب و به‌ویژه آمریکا بر آنها تأکید دارند.

«عامل (دیگر) بُروز تعارض‌های عملی با شعارهای غربی است؛ یعنی اینها در دنیا دم از آزادی و دم از دموکراسی و دم از حقوق بشر و این حرف‌ها می‌زدند؛ در عمل آن‌قدر دولت‌های غربی با این شعارها عملاً مخالفت کردند و نقض کردند این شعارها را که امروز طرح این شعارها در دنیا از سوی غربی‌ها به‌صورت یک امر مستهجن درآمده است؛ یعنی افراد صاحب‌فکر می‌فهمند. تعداد کودتاهایی که دولت‌های غربی و قدرت‌های غربی علیه دولت‌های مستقل - غالباً دولت‌های ملی - انجام دادند، یک تعداد عجیبی است. طبق بعضی از گزارش‌ها، آمریکا پس از جنگ دوم [جهانی] تا امروز برای سرنگونی پنجاه دولت اقدام کرده؛ در مورد پنجاه دولت انواع و اقسام اقدام‌ها را کرده؛ با ده‌ها جریان مقاومت مردمی مخالفت کرده که اینها در کارنامه آمریکا و دیگران مضبوط است. استفاده از بمب اتم؛ تنها موردی که بمب اتم استفاده شده است [نوسط] آمریکا است ... زندان گوانتانامو، زندان ابوغریب، این حوادثی که پیش آمد، زندان‌های مخفی‌ای که در اروپا ثابت شد برای همه و روشن شد که اینها زندان‌های مخفی دارند و مردم را شکنجه می‌کنند و بی‌محاکمه نگه می‌دارند، که هنوز هم هست؛ همه دارند می‌بینند. این هم عامل سومی بود که نظام ارزشی مورد ادعای غرب را به چالش کشید...» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

(۵) کاربست زور و خشونت

زمانی از زور استفاده می‌شود که منطق و استدلال قابل قبولی وجود نداشته باشد، درحالی‌که اگر ایده‌ها و ارزش‌های یک‌طرف، دارای جذابیت ظاهری و محتوایی باشد، اذهان و قلوب به‌سوی آنها گرایش پیدا می‌کنند. (Nye, 2002: 5). جنگ‌طلبی‌ها و اعمال تحریم علیه کشورهای گوناگون از سوی آمریکا، نظام ارزشی غربی را با چالشی جدی مواجه کرده است؛ موضوعی که معظم‌له نیز به آن اشاره کرده‌اند:

«عامل (دیگر)، پناه بردن به استفاده از زور و خشونت و سرکوب بود؛ انواع خشونت‌ها، از جمله تحریم. دیده شد و در مقابل چشم مردم دنیا قرار گرفت که وقتی که اینها با یک کشوری، با یک ملتی

مسئله پیدا می‌کنند و نمی‌توانند غلبه فرهنگی خودشان را بر این کشور تحمیل بکنند و سلطه خودشان را تأمین بکنند، دست به زور می‌برند و لشکرکشی می‌کنند؛ گاهی با لشکرکشی، گاهی با ترور، گاهی با راه انداختن جریان‌های تروریستی؛ ... حمله به کشورها، حمله به عراق، حمله به افغانستان، حملات گوناگون به شکل‌های مختلف به پاکستان و جاهای دیگر. این هم یکی از آن چیزهایی است که نظام ارزشی غرب را به چالش کشیده...» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

(۶) راه‌اندازی جریان‌های تروریستی

از دیگر رفتار و سیاست‌های اشتباه غرب و آمریکا، طرح‌ریزی، حمایت‌های مادی و غیرمادی از ایجاد گروه‌ها و جریان‌های تروریستی است. رفتار وحشیانه و غیرانسانی این گروه‌ها که احتمال دارد گریبان حامیان آنها را نیز بگیرد، دلیل خوبی برای اشتباه محاسباتی آنها به‌شمار می‌آید. از دید مقام معظم رهبری، این سیاست غربی‌ها نیز نظام ارزشی آنها را با چالش روبه‌رو کرده است:

«عامل (بعدی) هم جریان‌سازی‌هایی از قبیل همین جریان القاعده و داعش و مانند اینها (است). ... شبهه‌ای وجود ندارد که راه انداختن این جریان‌ها و ساختن این جریان‌ها، به‌دست همین قدرت‌های غربی و عوامل منطقه‌ای آنها [است]. حالا ممکن است یک مواردی خودشان مستقیم وارد نشوند و دیگران [وارد شوند]. البته مستقیم هم وارد شدند؛ ... (مانند) قضیه طالبان». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

(۷) افزایش انزجار از آمریکا

بی‌شک نتیجه عینی موارد یادشده در سطور فوق را باید در افزایش انزجار افکار عمومی از سردمداران غرب و به‌ویژه آمریکا جست‌وجو کرد. (O'Connor and Griffiths, 2006) براساس نظرسنجی پایگاه «پیو»^۱ در سال ۲۰۰۲ از مردم جهان پیرامون «برداشت عمومی از آمریکا»، در مصر، اردن و لبنان میزان «عدم مطلوبیت» این دولت به ترتیب ۶۹/۱، ۷۵/۳ و ۵۸/۶ رشد داشته است. (Jhee, 2008: 306) حمله نظامی به عراق در سال ۲۰۰۳، در زمینه تقویت موج آمریکاستیزی در جهان و به‌ویژه در جهان اسلام، از جایگاه بسیار تعیین‌کننده‌ای برخوردار است؛ در واقع واقعه مزبور در کنار بسترآفرینی برای استقبال تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان از مقوله «ضدآمریکاگرایی» و جایگاه آن در سیاست جهانی، موج فعال‌گرایی آمریکاستیزی در جوامع اسلامی را نیز با تحول مهمی روبه‌رو کرد. این حرکت خودسرانه در نزد افکار عمومی جوامع اسلامی به‌ویژه خاورمیانه، از آمریکا، تصویر یک «حکومت بزرگ غیرمستول» را ارائه داد که برای پیشبرد هدف‌ها و منافع خود، حتی از به خطر انداختن مشروعیت نهادهای بین‌المللی نیز ابایی ندارد. این روند افزایش تنفر از آمریکا همچنان ادامه دارد. براساس نتایج نظرسنجی انجام شده در سال

^۱Pew

۲۰۱۱، فقط ۹ درصد از ۴ هزار شهروندی که در کشورهای مصر، اردن، لبنان، مراکش، عربستان و امارات مورد پرسش قرار گرفته‌اند، معتقدند اوپاما نسبت به مسئله فلسطین و رابطه مناسب با جهان اسلام خوب عمل کرده است و ۹۱ درصد دیگر از سیاست‌های آمریکا ابراز انزجار و نارضایتی کرده‌اند. حتی در مقایسه با سال آخر ریاست جمهوری بوش، پرستیژ آمریکا در جهان عرب هم‌اکنون به مراتب با خدشه بیشتری مواجه شده است. براساس نظرسنجی انجام شده از سوی مؤسسه پیو در سال ۲۰۱۳، ۸۵ درصد در مصر و اردن، ۷۳ درصد در ترکیه، ۷۱ درصد در روسیه و ۶۶ درصد در فلسطین از سیاست‌های آمریکا متنفرند. (Attitudes toward..., 2013)

وبسایت گردشگری «تراول» بر اساس آخرین نظرسنجی‌های سال‌های اخیر از مؤسسات معتبری مانند «موسسه پیو» و نیز وبسایت «مارکت واچ»، ۱۵ کشور نخست را که افکار عمومی آنها از سیاست‌ها و اقدامات دولت کاخ سفید تنفر دارند، برشمرده است. این ۱۵ کشور و میزان درصد رویکرد منفی افکار عمومی آنها نسبت به آمریکا عبارتند از:

جدول ۱: میزان تنفر از آمریکا در بین کشورهای مختلف

نام کشور	درصد رویکرد منفی	نام کشور	درصد رویکرد منفی
مصر	۸۵	روسیه	۷۱
اردن	۸۵	بلاروس	۶۹
ترکیه	۷۳	پاکستان	۵۹ تا ۶۵
فلسطین	۶۸ تا ۷۲	یونان	۶۳
ایران	۶۱	لبنان	۵۷
آرژانتین	۵۷	اتریش	۵۵
اسلونی	۵۴	تونس	۴۷
آلمان	۴۷	-	-

Source: <https://www.marketwatch.com/story/10-countries-that-hate-the-us-the-most-2015-06-11>

واقعیتی که مورد توجه فرماندهی معظم کل قوا نیز بوده است:

«امروز در دنیای اسلام شوق و انگیزه به اسلام ناب در حال افزایش و نفرت و انزجار از استکبار به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز رو به گسترش می‌باشد که نمونه‌های بارز آن قضایای فلسطین، عراق، افغانستان و حادثه عجیب و معجزه‌آسای لبنان است». (بیانات در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۵/۹/۱)

۲-۲-۲. عوامل تزلزل پایه‌های نظام عملی

(۱) برپایی نظام جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی ایران را به‌عنوان آخرین انقلاب قرن بیستم می‌توان رخدادی بی‌نظیر یا حداقل کم‌نظیر توصیف نمود. انقلاب ایران در زمانی شکل گرفت که بسیاری از نظریه‌پردازان به این باور رسیده بودند که در تحولات اجتماعی، دیگر دین، جنبش‌ها و رهبران دینی نقش و اهمیتی ندارند. وقوع انقلاب اسلامی، خط بطلانی بر تمام این فرضیه‌ها کشید و ضمن ارائه یک الگوی حکومتی، پیام معنویت را برای جهان مادی شده، به همراه داشت. انقلاب اسلامی توانست با قدرت معنوی خود بر یکی از مجهزترین و قوی‌ترین ارتش‌های جهان غلبه کند. نکته حائز اهمیت دیگر آن است که این انقلاب در کشوری اتفاق افتاد که به‌مثابه «جزیره ثبات» با رویکرد غرب‌گرایانه، در راستای منافع غرب در نظر گرفته شده بود؛ در واقع، رژیم شاه از سوی مقام‌های کاخ سفید به‌عنوان یک هم‌پیمان برای مقابله با تهدید شوروی و اجرای سیاست «سد نفوذ» برگزیده شده بود، بنابراین روشن بود که به‌هیچ‌عنوان حاضر نبودند این کشور را از دست بدهند. با توجه به این مطالب، می‌توان دیدگاه فرماندهی معظم کل قوا را درک کرد:

«مهم‌ترین چیزی که این عامل - عامل اقتدار نظامی و سیاسی - را به چالش کشید، برپایی نظام جمهوری اسلامی بود. در یکی از مناطق به‌شدت تحت نفوذ آمریکا، یک حرکت عظیم انقلابی با این ابعاد به‌وجود می‌آید، یک نظامی را مبتنی بر تفکراتی که آنها این همه برای حذف این تفکرات تلاش کرده بودند به‌وجود می‌آورد، و این نظام با حملات گوناگون و متنوع آنها - حملات سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و غیره - از بین نمی‌رود بلکه روزبه‌روز هم قوی‌تر می‌شود؛ تا امروز که نظام جمهوری اسلامی نظامی است به معنای واقعی کلمه مقتدر». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۲)

(۲) مقاومت ج.ا.ایران در جنگ تحمیلی

هر چند دفاع مقدس هشت ساله، خسارت‌ها و مشکلاتی را برای جامعه ایرانی به همراه داشت، ولی سرآغاز دورانی نوین و سرمنشأ خودآگاهی و خودباوری و مطلع تجلی و تقویت هویت ایرانی قلمداد می‌شود. همچنین فرهنگ راهبردی در کشورمان در خلال این دوره، معنایابی شد. از مهم‌ترین آثار و نتایج دفاع مقدس، بازتعریف قدرت و ارائه مؤلفه‌ها و شاخص‌های نوینی از توانمندی کشورها بود. بی‌تردید این ویژگی ناشی از روح انقلاب اسلامی بود. در واقع ماهیت انقلاب اسلامی و رهبری بی‌بدیل بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای شکل گرفت که توانست با مؤلفه‌های نرم‌افزارانه، یک انرژی بسیار عظیمی را در جامعه ایرانی، آزاد کند و این انرژی، حرکت بسیار عظیمی را در کشور ایجاد کرد و با آغاز جنگ تحمیلی، نسل پرورش‌یافته

امام و انقلاب، آن را در مسیر دفاع از کشور و انقلاب به خدمت گرفت و حماسه‌ای بسیار شگرف را به وجود آورد. اگر ایران انقلابی که در مقطع آغاز جنگ تحمیلی به لحاظ شاخص‌های مادی و مرسوم قدرت ملی در شرایط مناسبی قرار نداشت، توانست در برابر عراق مسلح و مجهز و حمایت شده از سوی ابرقدرت‌ها بایستد و به پیروزی برسد، تنها به واسطه شالوده‌شکنی از مفهوم سنتی قدرت (متکی بر سخت‌افزارها) و بازتعریف آن بود، بنابراین گزاف نخواهد بود که ادعا شود جنگ تحمیلی سرآغاز شکل‌گیری قدرت ملی ج.ا.ایران بوده است. (عسگری، ۱۳۹۰) بر مبنای این واقعیت‌ها، مقام معظم رهبری، از دوران دفاع مقدس، به عنوان نقطه عطفی در تاریخ ایران نام برده و آن را یکی از عوامل به وجود آورنده پیچ تاریخی معاصر برشمرده‌اند:

«...ایستادگی هشت ساله جمهوری اسلامی و ملت ایران در دفاع مقدس؛ چیز کوچکی نبود، حادثه بسیار مهمی بود. این نشان داد که توانایی‌های نظامی و امنیتی قدرت‌های مسلط بر عالم، قادر نیستند از ایستادگی یک ملت بکاهند یا به آن ضربه بزنند، و این خواهد توانست خودش را بر آنها تحمیل کند، کما اینکه تحمیل کرد». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

(۳) حوادث منطقه‌ای و پیروزی مقاومت در جنگ‌ها

به باور مقام معظم رهبری، شکل‌گیری حوادثی مانند بیداری اسلامی در برخی از کشورهای منطقه که اغلب توسط دولت‌هایی وابسته به غرب اداره می‌شوند، و همچون ایران پیش از انقلاب، غرب در آنها فعال مایشاء بود و اجازه هر گونه اقدام جدی را علیه دولت این کشور نمی‌داد، دیگر نشانه ضعف دولت‌های غربی و آمریکا می‌باشد. البته ناتوانی رژیم غاصب صهیونیستی به عنوان تجلی بارز غرب در منطقه، در سه جنگ اخیر در لبنان (Gatam, 2008) و فلسطین، نمود بارزی از این ناتوانی به شمار می‌آید، که معظم‌له نیز به آن پرداخته‌اند:

«... حوادث منطقه، حوادث فلسطین، حوادث لبنان، جنگ ۳۳ روزه، جنگ ۲۲ روزه، جنگ ۸ روزه غزه، و این جنگ اخیر ۵۰ روزه غزه که واقعاً جزو نمونه‌های معجزه‌آسا است. یک منطقه کوچک، محدود، با توانایی‌های بسیار محدود، کاری بکند که رژیم صهیونیستی که نماد قدرت غرب در منطقه است، به زانو در بیاید؛ این اصرار کند بر آتش‌بس، آنها قبول نکنند آتش‌بس را؛ ... این خیلی حادثه مهم و قابل تحلیلی است. اینها نشان می‌دهد که اقتدار و برتری نظامی - سیاسی غرب، به معنای واقعی کلمه به چالش کشیده [شده]. امروز در دنیای غرب این جمع‌بندی جمع‌بندی رایجی است که خیلی از افراد ذی‌نفوذ در غرب، معتقدند که «جنگ» دیگر یک گزینه معتبر و باصرفه برای غرب نیست؛ ... معنای این همین است که توانایی‌های نظامی و اقتدار نظامی - امنیتی غرب کاملاً به چالش کشیده شده». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

(۴) ظهور قدرت‌های جدید

بی‌تردید یکی از اولویت‌های غرب به‌ویژه ایالات متحده، جلوگیری از خیزش قدرت‌های رقیب بود. در گذشته به‌ویژه دوران جنگ سرد، آمریکا با کمک‌های خود، تلاش می‌کرد برخی از کشورهای هم‌پیمان به حدی از رشد اقتصادی برسند، اما در خلال دهه‌های اخیر، یکی از سیاست‌های کاخ سفید، جلوگیری از ظهور قدرت‌های جدید و رقیب جهانی و منطقه‌ای بود (DoD, 1992: 4)، این در حالی است کشورهایی همچون چین، توانسته‌اند با سرعتی زیاد، به سطح بالایی از رشد و توسعه برسند؛ به‌گونه‌ای که باعث وحشت دولتمردان آمریکا شده است. این موضوع نیز به‌درستی از سوی معظم‌له مورد اشاره قرار گرفته است:

«قدرت‌های جدیدی هم که در آسیا و در شرق ظهور کردند - مثل قدرت چین، مثل قدرت هند، و امثال اینها - اینها هم ابعاد دیگر قضیه را روشن می‌کند». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

۲-۳. جهت‌گیری نظم جهانی آینده

براساس روندهای موجود، نظامی شالوده‌شکن در عرصه جهانی در حال شکل‌گیری است. بدون تردید نمی‌توان تصویری با مختصات دقیق از آن نظم ترسیم کرد، ولی به تعبیر مقام معظم رهبری، می‌توان خطوط اصلی آن نظم را مشخص کرد. در ادامه به برخی از این خطوط و جهت‌گیری‌ها مدنظر ایشان اشاره می‌شود: (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۸/۱۱)

(۱) انزوای آمریکا

کاهش نقش آمریکا به‌عنوان بازیگر اصلی در عرصه بین‌المللی و خروج آن از مهم‌ترین روندهای کلی نظم نوین بین‌المللی از جهت‌گیری‌های نظم جهانی آینده است. رهبر معظم انقلاب، نشانه‌های متعددی از انزوای آمریکا را مشخص می‌کند، از جمله: مشکلات اقتصادی آمریکا، اشتباه محاسباتی آمریکا در مسائل جهانی مانند افغانستان و عراق و شکست‌های مکرر آن در شرق آسیا. با توجه به مشکلات اقتصادی در آمریکا و در مورد حجم بالای بدهی‌های ملی این کشور می‌توان گفت که در چند سال گذشته افزایش قابل توجهی در حجم بدهی‌ها مشاهده شده است؛ به‌گونه‌ای که از مرز ۳۱ تریلیون دلار گذشته است و رشد آن تبدیل به چالشی واقعی برای دولت واشنگتن شده است. برآوردها حاکی از آن است که حجم بدهی‌های جهانی آمریکا تا پایان سال ۲۰۲۱ به حدود ۳۰۰ تریلیون دلار رسیده است؛ این بدان معناست که بدهی آمریکا به‌تنهایی بیش از ۱۰ درصد بدهی ملی جهانی است.

(۲) انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و علمی از غرب به آسیا

نشانه‌هایی از افزایش چندقطبی در جهان وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ظهور یک قدرت غیرغربی در دهه‌های آینده است که جایگاهی معتبر در اقتصاد جهانی به دست خواهد آورد؛ همین امر در مورد سایر قدرت‌های منطقه‌ای در حال ظهور از جنوب نیز صادق است، زیرا آنها دامنه فعالیت جهانی خود را افزایش می‌دهند؛ در واقع سلطه و نفوذ غرب رو به افول بوده و نشانه‌ای از پایان نظم و سیاست تک‌قطبی در جهان است. ارزش تولید ناخالص داخلی چین بر مبنای شاخص برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۸ برابر با ۲۵ تریلیون و ۲۷۰ میلیارد دلار و برای سال ۲۰۱۹ برابر با ۲۷ تریلیون و ۳۳۱ میلیارد دلار برآورد شده است که در مقایسه با سهم ۱۵/۳۳ درصدی آمریکا در مجموع ۱۸/۴۶ درصد از کل تولید ناخالص جهان را تشکیل می‌دهد. بر این اساس در حال حاضر چین دومین اقتصاد برتر جهان بر مبنای شاخص نرخ ارز اسمی و اولین قدرت اقتصادی جهان بر اساس شاخص برابری قدرت خرید است که در شاخص اخیر از آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان در ۲۰۱۴ پیشی گرفته است. (IFM, 2019)

بنا بر گزارش مؤسسه استکهلم، هزینه‌های نظامی دولت پکن برای بیست و چهارمین سال پیاپی افزایش یافته و از سال ۱۹۹۴ تا کنون بیش از ده برابر شده است. بر اساس این گزارش، بودجه نظامی این کشور در سال ۲۰۱۸ به ۲۵۰ میلیارد دلار رسید که این رقم ۱۴ درصد از کل هزینه‌های نظامی جهان را شامل می‌شود. (SIPRI Military Expenditure Database, Aprile 2019) نیروی دریایی چین بزرگ‌ترین نیروی دریایی جهان است.

دولت چین با طرح‌های عظیمی همچون یک کمربند یک‌راه، نفوذ خود را در سطح جهانی بسط و گسترش داده است. پکن با کاربست مفاهیمی اثربخش در حوزه فرهنگ (با فرهنگ سستی چین، کنفوسیونیسیم)؛ حوزه اقتصاد (با الگوی توسعه چین و پیوندهای تجاری و اقتصادی گسترده) و در حوزه سیاست (با سیاست برد-برد و اصل برابری و سود متقابل) در پی بسط و تعمیق قدرت نرم خود است.

(۳) مقاومت در مقابل زورگویی

باوجود تمام تلاش‌های آمریکا و غرب برای ضربه زدن به محور مقاومت، ج.ا. ایران که از این محور حمایت می‌کند و با وجود همه تحریم‌های غرب علیه آن، توانست به سیاست خود در برابر سلطه‌جویی آمریکا ادامه دهد و این بر کل محور مقاومت تأثیر مثبتی گذاشت. این محور مقاومتی که مرکز ثقل سیطره آمریکا در منطقه را احاطه کرده و تا خلیج فارس، سواحل مدیترانه، دریای سرخ و عمق راهبردی جهان عرب گسترش یافته اگرچه در اصل «رژیم صهیونیستی» را هدف قرار می‌دهد، اما به‌عنوان اولین نتیجه، گسترش تفکر مقاومت و ورود به مرحله جدیدی را بیان می‌کند که در آن حضور آمریکایی‌ها با زوالی قهقرای تهدید می‌شود.

۲-۳. شرایط کنونی؛ پیچ تاریخی

از آنچه گفته شد می‌توان به این جمع‌بندی رسید که چرا از دید مقام معظم رهبری شرایط موجود در مرحله «گذار» قرار ندارد، بلکه معظم‌له از این مرحله با عنوان «پیچ تاریخی» یاد می‌کنند. پیچ تاریخی، ترکیبی مناسب است؛ چراکه در این ترکیب، مفهوم تغییر مسیر نیز مستتر می‌باشد، درحالی‌که واژه گذار به مرحله عبور از یک مرحله پایین‌تر به مرحله بالاتر در یک مسیر مشخص است (سو، ۱۳۷۸: ۳۲). پیچ تاریخی می‌تواند به معنای تغییر گفتمان، تغییر جریان، تغییر نظم و نظام، تغییر بازی و قواعد بازی و ... باشد.

۲-۳-۱. ماهیت پیچ‌های تاریخی

(۱) تعریف پیچ تاریخی

با بررسی آرا و اندیشه‌های مقام معظم رهبری می‌توان گفت که از نگاه ایشان، پیچ تاریخی، تغییر مسیر حرکت تاریخ و ملت‌ها می‌باشد:

«تاریخ در خطی می‌رفت (می‌رود)؛ اما در این لحظه، به یک سمت دیگر پیچید (می‌پیچد). این، نقطه پیچ و نقطه عطف و نقطه انعطاف به یک سمت دیگر است». (بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسئولان ستاد برگزاری دهه فجر، ۱۳۶۹/۱۰/۱۱)

از دیگر ویژگی‌های پیچ تاریخی کنونی که بخشی از ماهیت آن می‌باشد، خطرناک بودن آن است: «عزیزان من! کشور شما و ملت شما در یک پیچ خطرناک تاریخی در حال حرکت است. سی سال است ما داریم این پیچ را طی می‌کنیم. به نقاط خطرناک، خطر خیز رسیدیم، از آن عبور کردیم؛ لکن تمام نشده» (بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی، ۱۳۸۹/۶/۳۱)

(۲) پیچ‌ها تکرارپذیرند

بخش دیگری از ماهیت پیچ‌ها از منظر رهبر معظم انقلاب را باید تکرارپذیری آنها دانست: «پیچ‌های تاریخ، در طول سال‌های متمادی طی می‌شود. گاهی عمر یک نسل یا دو نسل، در تاریخ یک لحظه است. ما در یکی از همان پیچ‌های عمده و در یکی از همان نقاط عظیم». (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۷۰/۶/۲۷)

۲-۳-۲. منشأهای شکل‌گیری پیچ‌های تاریخی

بر مبنای تعریفی که از مقام معظم رهبری در خصوص پیچ‌های تاریخی ارائه شد، می‌توان با مطالعه بیانات معظم‌له به این نتیجه رسید که از منظر ایشان، موارد زیر اصلی‌ترین منشأهای شکل‌گیری پیچ‌های تاریخی هستند:

(۱) ولادت انبیا؛ منشأ پیچ تاریخی

«شما ولادت پیامبر(ص) و ائمه(ع) را جشن می‌گیرید. صدها سال است که ولادت مسیح(ع) را جشن می‌گیرند. چرا ولادت‌ها اهمیت و ارزش دارند؟ به خاطر اینکه یک مقطع حساس و تعیین‌کننده و یک نقطه عطف و یک پیچش در تاریخند». (بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسئولان ستاد برگزاری دهه فجر، ۱۳۶۹/۱۰/۱۱)

(۲) بعثت پیامبران؛ منشأ پیچ تاریخی

«امروز به دوران نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نگاه کنید؛ از دور، پیچ را می‌شود دید. از نزدیک در حین حرکت، هیچ‌کس ملتفت نیست که چه کاری دارد انجام می‌گیرد؛ مگر هوشمندان». (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۷۰/۶/۲۷)

(۳) انقلاب‌ها؛ منشأ پیچ تاریخی

«این پیچ تاریخی (را) ... انقلاب ... برای ما به‌وجود آورد» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان، ۱۳۸۲/۷/۲۲)

به باور مقام معظم رهبری، سرآغاز پیچ تاریخی کنونی، پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران است:

«این نقطه حساس تاریخی فقط مربوط به تاریخ ایران نیست، مربوط به تاریخ امت اسلامی است. امت اسلامی که قرن‌هاست دچار رکود است، مورد تحقیر است، دچار عقب‌ماندگی از کاروان تمدن است، دچار برخی یا بسیاری حکام و زمامداران فاسد و دیکتاتور است، امروز نوبت این فرا رسیده است که امت اسلامی خود را از زیر بار این همه مشکلات، این همه آلودگی‌ها، این همه گرفتاری‌ها خلاص کند. ملت ایران قدم بزرگ اول را برداشته است». (بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی، ۱۳۸۹/۶/۳۱)

(۴) حوادث منطقه‌ای (بیداری اسلامی)؛ منشأ پیچ تاریخی

«حوادث مصر، حوادث منطقه شمال آفریقا، حوادث این طرف، حوادث بسیار مهمی بود؛ این بیدار شدن ملت‌ها با دست‌خالی، ایستادن در مقابل تحقیری که غرب و به‌خصوص آمریکا به وسیله عمال خودشان بر آنها تحمیل کرده بودند، حادثه بسیار بزرگی بود؛ البته تمام نشده؛ خیال می‌کنند که آن را سرکوب کردند، به نظر ما سرکوب نشده؛ یک پیچ تاریخی بود که منطقه در حال عبور از این پیچ تاریخی است» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۲/۷/۱۷)

۲-۳-۴. سازوکارهای لازم برای عبور موفق از پیچ‌های تاریخی

نگاه آینده‌پژوهانه مقام معظم رهبری تنها معطوف به تحلیل و نقد شرایط موجود و ترسیم آینده نبوده و در این مرحله متوقف نمی‌شود، بلکه گام نهایی را نیز برداشته و شرایط موجود را به‌مثابه فرصتی ترسیم می‌نماید

که کشورها از جمله ایران اسلامی می‌تواند از آن در راستای ارتقای نقش و جایگاه خود بهره‌برداری نماید. از این رو، شرایط، سازوکارها و ابزارهای لازم برای نقش‌آفرینی مؤثر را نیز یادآور می‌شود.

(۱) درک صحیح شرایط و واقعیت‌ها

نگاه کلان و راهبردی مقام معظم رهبری مانند همیشه، نگاهی اصولی است؛ به این معنی که گام نخستین هر طرح‌ریزی کلان، شناخت شرایط و واقعیت‌هاست، از این رو معظم‌له رسیدن به این شناخت را مطرح می‌نمایند:

«مطلب اول این است که این واقعیت‌هایی که امروز مشاهده می‌کنیم، واژگونه تحلیل نشود، غلط تحلیل نشود، غلط فهمیده نشود، همچنان که هست فهمیده بشود؛ نه فقط در کشور ما [بلکه] در منطقه آسیا، هنوز کسانی، کشورهایی، دولت‌هایی، شخصیت‌هایی، رجال سیاسی‌ای، جریان‌هایی وجود دارند که درک نمی‌کنند این واقعیتی را که بیان شد... همین‌طور که گفتیم، قدرت غربی بر این دو پایه بود - پایه‌های اخلاقی و معنوی و ارزشی، و پایه نظامی و سیاسی و امنیتی و عملی - هر دوی اینها متزلزل شده است. ما این واقعیت را باید درک کنیم». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

(۲) آمادگی از راه قدرت‌آفرینی

مقام معظم رهبری با شناخت دقیق نظام سلطه جهانی، راهکار شنیده‌شدن را به‌کارگیری ادبیات مبتنی بر قدرت می‌دانند:

«سلطه‌های جهانی جز قوت و قدرت هیچ نمی‌فهمند و در برابر زبان قدرتی که آنان به کار می‌گیرند، با زبان قدرت باید سخن گفت». (بیانات در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۳۶۶/۶/۳۱)

ایشان معتقدند:

«نگاه به اوضاع سیاسی جهان و منطقه نشان می‌دهد که ما در مقطع حساسی هستیم؛ به معنای واقعی کلمه، امروز یک پیچ تاریخی است. این را بدانید! اگر قوی نباشید زور خواهید شفت؛ نه از آمریکا و غرب، حتی از موجودی مثل صدام. اگر قوی نباشید به شما زور می‌گویند، بر شما تحمیل می‌کنند. باید قوی بشوید». (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۶/۴/۱۳۹۳)

(۲-۱) حرکت بالنده و فزاینده در علم - فناوری، اقتصاد و فرهنگ

مقام معظم رهبری با شناخت و بینش عمیق خود، چهره‌های جدید قدرت را در سه حوزه «علم و فناوری»، «اقتصاد» و «فرهنگ» دانسته‌اند؛ عرصه‌هایی که آینده و سرنوشت کشورها ربط وثیقی با

میزان پیشرفت جوامع در آنها دارد، که البته مانند همیشه، اولویت با فرهنگ است؛ عرصه‌ای که با باورها، ایستارها و عقاید مردم سروکار دارد:

«سه موضوع در تقویت کشور بسیار نقش دارد: یکی مسئله علم و فناوری است، یکی مسئله اقتصاد است، یکی مسئله فرهنگ است. در این سه بخش ما باید سرمایه‌گذاری کنیم؛ اینها عناصر کلیدی‌اند. دولت‌های ما، مسئولین ما، مؤثرین و متنفذین ما، در هر سه قسمت بایستی فعال بشوند و کار بکنند. ... البته از همه اینها مهم‌تر، مسئله فرهنگ است؛ به خصوص در سطح باورها و عقاید مردم. می‌بینید چقدر دارند سرمایه‌گذاری می‌کنند». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

(۲-۲) تبیین مواضع و اقناع افکار عمومی جهانیان

از منظر مقام معظم رهبری، در جهان امروز نمی‌توان به افکار عمومی بی‌توجه بود. افکار عمومی از پدیده‌های بسیار اثرگذار در مناسبات بین‌المللی است. در فضایی که روابط بین دولت‌ها تحت تأثیر شدید قاعده سلطه‌گری - سلطه‌پذیری است و بسیاری از دولت‌ها نمی‌توانند بر خلاف نظر و خواست قدرت‌های سلطه‌گر موضعی گرفته یا سیاستی را پیگیری نمایند و از سوی دیگر رسانه‌های نظام سلطه نیز همواره در تلاشند تا نظام فکری ملت‌ها را در راستای امیال و ایده‌های خود شکل دهند. در چنین فضایی، تبیین مواضع و اقناع افکار عمومی، روشی در جهت گفتمان‌سازی و پیشبرد منافع و هدف‌ها شناخته می‌شود. به باور ایشان:

«بسیاری از سرمایه‌های گوناگون بین‌المللی صرف ایجاد رسانه‌های اثرگذار می‌شود، از قبیل ماهواره و اینترنت و موبایل و امثال اینها؛ دارند سرمایه‌های زیادی را صرف می‌کنند برای اینکه بر روی عقاید مردم و باورهای مردم اثر بگذارند و اینها را درواقع از حیطه نفوذ نظام اسلامی و ارزش‌های اسلامی خارج کنند» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

(۲-۳) ارتباط مستقیم علما با مردم

به باور معظم‌له ارتباط مستقیم علما و اندیشمندان دینی با مردم، اثرگذاری بسیار زیاد و عمیقی دارد، به گونه‌ای رسانه‌های فراگیر نیز با همه ظرفیت‌های خود، از آن محروم هستند:

«ارتباط مستقیم علما با مردم، یک عامل و عنصر بی‌بدیلی است؛ هیچ‌چیزی جای این را نمی‌گیرد، هیچ‌چیزی؛ حتی صداوسیما که یک رسانه فراگیر است، نمی‌تواند جای ارتباط مستقیم علما و متفکرین دینی را با مردم بگیرد» (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

(۲-۴) وحدت و همدلی

مقام معظم رهبری نیز در چارچوب مبانی اسلامی، وحدت و انسجام را رمز تولید و بازتولید قدرت می‌دانند:

«وحدت و همدلی در کشور هم بسیار مهم است. اختلاف سلیقه در زمینه‌های سیاسی - در زمینه‌های سیاسی خُرد و کلان - وجود دارد، اما این اختلاف‌ها نباید وحدت کشور را و همدلی کشور را از بین ببرد؛ همه بایستی با هم باشند؛ یکی از نقاط مهم این است که از مسئولان هم همه باید حمایت کنند. حمایت منافات ندارد با اینکه شما یک ایرادی هم به فلان مسئول، یا دولت، یا قوه قضائیه، یا مجلس داشته باشید، اما حمایت باید به‌هرحال انجام بگیرد». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)

(۳) سازمان‌های بین‌المللی (نم)

از دید مقام معظم رهبری، سازمان‌های بین‌المللی مانند جنبش عدم تعهد، از جمله سازوکارهای هستند که به‌واسطه ظرفیت‌های فراوان خود از توان اثرگذاری مناسبی برخوردار بوده و می‌توانند در مدیریت جهان آینده به ایفای نقش پردازند:

«شرایط گیتی حساس و جهان در حال گذار از یک پیچ تاریخی بسیار مهم است. انتظار می‌رود که نظم نوین در حال تولد یافتن باشد. مجموعه غیرمتعهدها حدود دوسوم اعضای جامعه جهانی را در خود جای داده است و می‌تواند در شکل‌دهی آینده نقشی بزرگ ایفاء کند... ما اعضای این جنبش با هم‌افزایی امکانات و ظرفیت‌های گسترده خود می‌توانیم برای نجات جهان از ناامنی و جنگ و سلطه‌گری، نقشی تاریخی و ماندگار بیافرینیم... ما می‌توانیم به ارتقای «بهره‌وری سیاسی جنبش عدم تعهد» در مدیریت جهانی بیندیشیم؛ می‌توانیم برای تحول در این مدیریت، سندی تاریخی تهیه کنیم و ابزارهای اجرایی آن را فراهم نماییم؛ می‌توانیم حرکت به سمت همکاری‌های مؤثر اقتصادی را طراحی و الگوهای ارتباط فرهنگی میان خود را تعریف کنیم». (بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۹/۶/۱۳۹۱)

(۴) فعالیت‌های دانشمندان و اندیشمندان

از دید فرماندهی معظم کل قوا، صاحبان فکر و نظر نیز از جمله عناصری هستند که دارای توان بالقوه برای اثربخشی در شکل‌دهی و شکل‌گیری تحولات هستند، فعلیت یافتن این ظرفیت می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد:

«کار توفیق ملت ایران و کشور ایران در این برهه بسیار مهم و حساس تاریخی، در درجه اول بر دوش دانشمندان است. اگر در درجه اول هم نگوئیم، یقیناً یکی از عناصر رتبه اول و صف اول برای تأثیرگذاری در این تحولات، دانشگاه‌ها هستند. دانشگاه می‌تواند کاری کند که کشور و ملت و تاریخ ما در این تحول برنده باشد؛ می‌تواند هم خدای نکرده کاری کند که نه، برنده نباشد». (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۲۲/۵/۱۳۹۱)

۲-۴. نشانه‌های دوران و هندسه نظم و نظام آینده

فرماندهی معظم کل قوا با نگاه بصیرت‌آمیز خود نه تنها بحران نظام موجود را تبیین نمودند، بلکه نشانه‌ها و علائم دوران فرارو را نیز ترسیم کرده‌اند:

«بدانید امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی است. دوران جدیدی در همه عالم دارد آغاز می‌شود. نشانه بزرگ و واضح این دوران عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه به وحی. بشریت از مکاتب و ایدئولوژی‌های مادی عبور کرده است. امروز نه مارکسیسم جاذبه دارد، نه لیبرال‌دموکراسی غرب جاذبه دارد - می‌بینید در مهد لیبرال‌دموکراسی غرب، در آمریکا، در اروپا چه خبر است؛ اعتراف می‌کنند به شکست - نه ناسیونالیست‌های سکولار جاذبه‌ای دارند. امروز در میان امت اسلامی، بیشترین جاذبه متعلق است به اسلام، به قرآن، به مکتب وحی؛ که خدای متعال وعده داده است که مکتب الهی و وحی الهی و اسلام عزیز می‌تواند بشر را سعادتمند کند». (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰)

۳. روش‌شناسی تحقیق

این مقاله قصد دارد با کمک مضامین و مفاهیم به‌دست‌آمده از متن بیانات مقام معظم رهبری، به شبکه‌ای از مضامین مرتبط با هندسه نظم نوین جهانی برسد. روش استفاده‌شده در این پژوهش، تحلیل مضمون از انواع تحلیل‌های کیفی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA است. برای دستیابی به نتیجه مفید در تحقیق‌های کیفی، لازم است داده‌ها به‌صورت روشمند، بررسی و تحلیل شوند. تحلیل داده‌ها مرحله‌ای حیاتی از تحقیق کیفی بوده، مستلزم اقدام اساسی برای گردآوری داده‌ها و مرتبط کردن آنها با مفاهیم انتزاعی سطح بالاتر است. تحلیل مضمون، از روش‌های پژوهشی روی متون است و اغلب هنگامی کاربرد دارد که حجمی زیادی از داده‌ها وجود داشته باشند. (عسگری، ۱۳۹۹: ۲۸۸) با استفاده از این روش، داده‌های متن کاهش‌یافته، بخش‌بندی، مقوله‌بندی و تلخیص می‌شوند و سپس به‌گونه‌ای بازسازی می‌شوند که مفاهیم و الگوهای موجود در متن از درون داده‌ها استخراج شوند؛ این روش، شیوه‌ای برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها در درون داده‌هاست. (Boyatzis, ۱۹۹۸: ۳۶)

هدف در تحلیل مضمون برخلاف نظریه زمینه‌ای یا نظریه داده‌بنیاد، استخراج الگو یا مدلی مفهومی است که در دل متن، نهفته است و ضرورتی برای صورت‌بندی نظریه جدیدی برای توصیف یافته‌ها وجود ندارد، پس روش تحلیل مضمون افزون بر اینکه به پژوهشگر امکان می‌دهد که مضامین موجود در متن را بررسی و استخراج کند، می‌تواند به الگویی نظام‌مند از مضامین و روابط میان آنها نیز منتج شود؛ به عبارتی منظور از الگو، مدلی است که از طریق نظم مفهومی داده‌های مستخرج به دست می‌آید. (یزدخواستی، پناهی، مهری، بهار و تابستان ۱۳۹۳: ۸۷-۷۵)

این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی

غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. (Braun, Clarke, 2006) تحلیل مضمون، فقط روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیشتر روش‌های کیفی به کار رود. به‌طور کلی، تحلیل مضمون، روشی برای «دیدن متن»، «برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب»، «تحلیل اطلاعات کیفی» و «تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی» است. (Boyatzis, 1998: 4)

در این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی، نوع تحقیق براساس هدف، توسعه‌ای و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای بوده است که پس از مراجعه به وبگاه مقام معظم رهبری، بیانات مرتبط با موضوع این مقاله شناسایی شد و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است.

برای محاسبه پایایی، محقق ابتدا کدگذاری بیانات را یکبار با مطالعه سطر به سطر و به‌صورت دستی و به‌منظور اطمینان بیشتر یکبار هم این کدگذاری را با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA انجام داده است. در گام بعدی، بیانات مقام معظم رهبری در اختیار یک پژوهشگر دیگر قرار داده شد و ایشان نیز مطابق با توضیحات ارائه‌شده، یکبار دیگر متون را کدگذاری نمودند. بعد از اتمام کدگذاری در این دو مرحله، نتایج کدگذاری‌ها با یکدیگر مقایسه و طبق فرمول زیر از روش هولستی برای محاسبه پایایی استفاده شد:

$$PAO = 2M / (n1 + n2)$$

$$2 * 30 / (30 + 35) = 0.92$$

در این فرمول PAO به معنی درصد توافق مشاهده‌شده (ضریب پایایی)، M تعداد کدهای مورد توافق در دو مرحله کدگذاری، n1 تعداد واحدهای کدگذاری‌شده در مرحله اول و n2 تعداد واحدهای کدگذاری‌شده در مرحله دوم است. این رقم میان صفر (هیچ توافق) تا یک (توافق کامل) متغیر است. پاسخ نتیجه محاسبه برای پژوهش حاضر که ۰/۹۲ محاسبه شد، نشان می‌دهد مضامین از پایایی (قابلیت اعتبار) بالایی برخوردارند. پاسخ نتیجه محاسبه برای پژوهش حاضر که ۰/۹۶ محاسبه شد، نشان می‌دهد مضامین از پایایی (قابلیت اعتبار) بالایی برخوردارند. به‌منظور افزایش روایی، قواعد مصاحبه شامل چگونگی آغاز مصاحبه و نحوه پرسش‌ها تدوین و در طول مصاحبه‌ها، هدایتگر نویسنده بود تا مانع پراکنده‌گویی در مصاحبه‌ها شود، همچنین با مشخص نمودن محورهای اصلی مصاحبه و آزادی عمل نگارنده برای طرح سؤالات خود، روایی پژوهش نیز حفظ شده است.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد هدف اصلی این مقاله، تبیین هندسه نظم نوین جهانی با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون است. پس از کدگذاری متون مصاحبه‌های انجام‌شده در نهایت، ۲ مضمون فراگیر، ۹ مضمون پایه‌ای و ۳۳ مضمون سازمان‌دهنده، استنتاج و دسته‌بندی شدند که در قالب جداول زیر ارائه شده‌اند:

جدول ۲: نمونه به دست آوردن مضامین از بیانات مقام معظم رهبری

بیانات	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه‌ای	مضمون فراگیر
«ما به مسائل جهانی و مسائل منطقه‌ای و از جمله مسائل کشورمان، باید نگاه کلان و جامع داشته باشیم؛ این نگاه کلان، به ما معرفت و بصیرتی را عطا می‌کند که اولاً موقعیت خودمان را، جایگاه خودمان را، ایستگاه خودمان را در وضع کنونی بازبایی کنیم و بفهمیم در چه وضعی قرار داریم؛ بعد هم به ما تعلیم می‌دهد که برای آینده چه باید بکنیم». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)	رویکرد مناسب	ابزار تحلیل	آینده هندسه نظم نوین جهانی
«در نگاه کلان به کل جهان - و از جمله به منطقه - انسان به این نکته اساسی برخورد می‌کند که نظم مستقر حاکم قبلی دنیا در حال تغییر و تبدیل است، این را انسان می‌فهمد و مشاهده می‌کند. بعد از جنگ اول جهانی، یک نظم جدیدی در عالم و به‌خصوص در منطقه ما به‌وجود آمد؛ قدرت‌هایی جان گرفتند، قدرت‌های برتر عالم شدند؛ و بعد از جنگ دوم جهانی - که تا کنون حدود هفتاد سال از پایان آن می‌گذرد - این نظم جهانی استقرار پیدا کرد و مدیریت عالم به شکل خاصی در آمد. غرب در واقع، چه به شکل نظام سوسیالیستی و چه به شکل نظام لیبرالیستی - که هر دو غربی بودند - حاکم بر مدیریت جهان شد و مدیریت جهان در اختیار اینها قرار گرفت. آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و مناطق گوناگون دنیا تحت نفوذ و هیمنه و اراده اینها در طول این هفتاد سال حرکت کردند. انسان به‌روشنی می‌بیند که این نظم در حال تغییر است». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۳)	تغییر و تبدیل هندسه نظم حاکم بر دنیا	هسته تحلیل	

جدول ۳: هندسه نوین نظم جهانی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری

مضمون فراگیر	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده
آینده هندسه نظم نوین جهانی	ابزار تحلیل	رویکرد مناسب
	هسته تحلیل	تغییر و تبدیل هندسه نظم حاکم بر دنیا
	عوامل مؤثر در تزلزل پایه‌های نظام ارزشی	بحران اخلاقی و متلاشی شدن خانواده‌ها
		ارزش شدن منکرها
		گرایش به مذهب

تناقض شعارها و عملکردها		عوامل مؤثر در تزلزل پایه‌های نظام عملی
کاربست زور و خشونت		
راه‌اندازی جریان‌های تروریستی		
افزایش انزجار از آمریکا		
برپایی نظام جمهوری اسلامی	جهت‌گیری نظم جهانی آینده	
مقاومت ج.ا.ایران در جنگ تحمیلی		
حوادث منطقه‌ای و پیروزی مقاومت در جنگ‌ها		
ظهور قدرت‌های جدید		
انزوای آمریکا	ماهیت پیچ‌های تاریخی	شرایط کنونی؛ پیچ تاریخی
انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و حتی علمی، از غرب به آسیا		
مقاومت در مقابل زورگویی		
تغییر مسیر حرکت تاریخ و ملت‌ها		
خطرناک بودن	منشأهای شکل‌گیری پیچ‌های تاریخی	
تکرارپذیری		
ولادت انبیاء		
بعثت پیامبران		
انقلاب‌ها	سازوکارهای لازم برای عبور موفق از پیچ‌های تاریخی	
حوادث منطقه‌ای (بیداری اسلامی)		
درک صحیح شرایط و واقعیت‌ها		
آمادگی از راه قدرت‌آفرینی		
حرکت بالنده و فزاینده در علم - فناوری، اقتصاد و فرهنگ		
تبیین مواضع و اقناع افکار عمومی جهانیان		
ارتباط مستقیم علما با مردم		
وحدت و همدلی		
سازمان‌های بین‌المللی (نم)	نشانه‌های دوران و هندسه نظم و نظام آینده	
فعالیت‌های دانشمندان و اندیشمندان		
توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه به وحی		
رهایی و عبور بشریت از مکاتب و ایدئولوژی‌های مادی		

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

(۱) جمع‌بندی

هدف اصلی این مقاله، بررسی آرا و اندیشه‌های فرماندهی معظم کل قوا در مورد هندسه نظم نوین

جهانی بود؛ بررسی این دیدگاه از این نظر حائز اهمیت است که نقطه‌نظرات عالی‌ترین مقام هر کشوری، برای نظام سیاسی آن جامعه دارای شأن و اهمیت ویژه‌ای است. به‌هرحال، جایگاه و شخصیت این افراد، به دیدگاه‌های آنها ارزش ویژه‌ای اعطا می‌کند. در جوامعی که این افراد دارای شخصیت فرهیخته باشند، منویات آنها بیان‌کننده خط‌مشی آن جوامع تلقی می‌گردد. این‌گونه از افراد با ارائه رهنمودهایی، راهبری جامعه را عهده‌دار بوده و با ایجاد انگیزه و ترغیب و هدایت فعالیت‌ها، در راه تحقق هدف‌ها و آرمان‌های جوامع تلاش می‌نمایند. دیدگاه‌های عالی‌ترین مقام هر کشور، دارای ویژگی‌های «بصیرت‌دهندگی»، «جهت‌دهندگی» و «تحول‌دهندگی» می‌باشد.

در راستای تحقق هدف تحقیق، رویکرد آینده‌پژوهانه مبتنی بر نشانه‌شناسی روند به‌عنوان چارچوب نظری این تحقیق انتخاب گردید. در قالب این رهیافت، به‌نظر می‌رسد از بین رویکردهای آینده‌پژوهانه، مقام معظم رهبری با رویکردی منتقدانه در پی تحلیل شرایط آینده بوده‌اند. همچنین با دقت در روش تبیین مباحث از سوی فرماندهی معظم کل‌قوا به‌خوبی می‌توان مراحل یادشده در مورد آینده‌پژوهی را در نوع بیان مباحث و ترسیم آینده ملاحظه کرد.

در مجموع می‌توان گفت در شرایط کنونی و پیچ تاریخی فرارو، چگونگی توزیع و شکل و شیوه تعامل بازیگران نظام بین‌الملل، در حال تغییر است. همچنین ماهیت قدرت نیز در حال دگرگونی است؛ به این معنی که قدرت مقاومت به‌مثابه بدیل قدرت مسلط یا نیروی مقابله‌کننده با قدرت مسلط، در حال شکل‌گیری و ایجاد است؛ به تعبیر بهتر، گفتمان «ثبات» (با محوریت غرب) که در آن تمامی ابزارها، ساختارها و سازوکارها در راستای بازتولید نظم و نظام پیشین بود، در حال مواجهه با گفتمان «تحول» است؛ گفتمانی که در جغرافیای «قدس تا پکن» (به معنی فرهنگ تا اقتصاد) در حال تکوین است. در گفتمان ثبات، بازیگر محور و بازیگران پیرامون آن قطب در مدارهای قدرت، سیاست‌هایی همسو اتخاذ می‌کردند. همکاری‌های مشارکت‌جویانه مبتنی بر تفاهم از دیگر نشانه‌های گفتمان ثبات بود. جلوگیری از ظهور و بروز قدرت‌های خارج از نظام سلطه، دیگر نشانه این گفتمان به شمار می‌رفت، البته گفتمان ثبات که برتری‌هایی در عرصه فناوری و سخت‌افزاری دارد و به‌واسطه شکل‌گیری گفتمان تحول، منافع خود را در خطر می‌بیند با طرح مقوله‌هایی همچون «مبارزه با تروریسم» و زمینه‌سازی برای ایجاد فتنه‌ای همچون «القاعده و داعش» در پی جلوگیری از قدرت‌گیری این گفتمان نوظهور است، ولی واقع مطلب آن است که این گفتمان تحول، ریشه‌دار بوده و به افق‌های دور نظر دارد.

یافته‌های این مقاله را می‌توان در قالب‌بندهای زیر ارائه کرد:

(۱-۱) ارائه تحلیل‌های آینده‌پژوهانه در گرو شناخت دقیق مبانی چارچوب‌های گذشته، آگاهی از

خود، منطقه و جهان، درک روندها، ساختارها و نشانه‌هاست.

(۱-۲) نشانه‌های زوال و فرسایش نظام مستقر آشکار شده است.

(۱-۳) دوران کنونی (پیچ تاریخی)، فرصتی برای بازیگری و ارتقای جایگاه کشورها و بازیگران نظام بین‌الملل در نظام آینده است که این امر، مستلزم تقویت انسجام درونی، قدرت‌افزایی، تقویت فرایندهای دیپلماسی عمومی و ... است.

(۱-۴) نظام آینده و دوران پس از پیچ تاریخی، دوران انزوای مکاتب مادی و احیای ارزش‌های اسلامی است.

(۱-۵) پیچ تاریخی کنونی، یک سیر فرایندگونه را طی کرده است که ابتدای آن به پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی برمی‌گردد و بیداری اسلامی ایجادشده در برخی کشورهای اسلامی از جمله نقاط عطف آن به‌شمار می‌آید و این مراحل تا رسیدن به مرحله «شدن» و کامل گردیدن، ادامه خواهد داشت.

(۲) پیشنهادها

(۲-۱) با توجه به تحلیل رهبر معظم انقلاب، اندیشمندان و صاحب‌نظران باید با تبیین علمی این مباحث و رویکرد، تلاش خود را معطوف گفتمان‌سازی بر مبنای این دیدگاه نمایند؛ به عبارتی، در دانشگاه‌ها و مراکز علمی باید مباحثه پیرامون این مطالب، جزو سرفصل‌های تدریس استاداها و مدرسان قرار گیرد.

(۲-۲) مراکز تحقیقاتی و راهبردی نیز باید تحلیل علمی و روشمند، این بیانات و دیدگاه‌های فرماندهی معظم کل قوا را در قالب پروژه‌های تحقیقاتی، جزو اولویت‌های پژوهشی خود قرار داده و بر مبنای چنین آینده‌ای، ساختار، سازمان و نرم‌افزارهای دفاعی را بازطراحی نمایند؛ چراکه به فرمایش معظم‌له، بهره‌گیری از شرایط کنونی و آینده به‌عنوان فرصت، در گرو آمادگی و ارتقای سطح توانمندی کشور به‌ویژه نیروهای مسلح است.

(۲-۳) دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی، باید با مفروض دانستن این دیدگاه، تمامی سیاست‌ها و اقدام‌های خود را هم‌سو با این تحلیل، ساماندهی نمایند؛ به عبارتی، حرکت در راستای الزام‌های مورد اشاره برای بهره‌برداری از شرایط کنونی، باید در برنامه‌ها و نقشه راه آینده دولت جمهوری اسلامی قرار داشته باشد. برگزاری همایش‌های بین‌المللی و استفاده از تمامی ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی، می‌تواند در جریان‌سازی برای نشر و گسترش این ایده، کارساز باشد.

(۲-۴) حوزه‌های علوم دینی و به‌ویژه مبلغان دینی نیز باید در برنامه‌های کاری و تبلیغی خود، ترویج این اندیشه‌های مقام معظم رهبری را در دستورکار خود قرار دهند. ملاقات و دیدارهای چهره به چهره با نخبگان دینی و رؤسای مراکز فرهنگی و دینی، شرکت در مجامع بین‌المللی و

طرح و تبیین و بسط ایده‌های معظم‌له از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه می‌تواند باشد.

منابع

منابع فارسی

۱. امام خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات. قابل دسترسی در: www.Khamenei.ir
۲. اکبری کریم‌آبادی، نورالدین. (۱۳۹۳). «نقش اسلام‌هراسی در افزایش گرایش به اسلام در اروپا و آمریکا».
۳. توفیق، فیروز. (۱۳۷۷). «آینده‌نگری». *مجله برنامه و بودجه*. شماره ۳۵ و ۳۴، ۷۹-۹۰.
۴. جعفری‌پناه، مهدی. (۱۳۹۹). «صورت‌بندی مفاهیم مطرح در بیانیه گام دوم جهت تحقق نظم نوین جهانی». *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. سال ۱۰ (۱). شماره پیاپی ۴۳، ۱۱۱-۱۲۷.
۵. سو، آوین. (۱۳۷۸). «تغییر اجتماعی و توسعه». ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. عباس‌تبار مقری، رحمت. هاشمی‌میارکلایی، سیدمحمد. (۱۴۰۰). مکانیزم‌ها و راهبردهای تحقق نظم جهانی دینی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای. *فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*. سال ۹ (۴). شماره پیاپی ۲۰، ۱۷۷-۲۰۴.
۷. عسگری، محمود. (۱۳۹۰). *قدرت‌افکنی؛ الزامی برای بازدارندگی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. عسگری، محمود. (۱۳۹۹). «رویکردی به ناآرامی‌های اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)». *فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*. سال ۱۰ (۳). شماره پیاپی ۴۰، ۲۷۹-۳۱۸.
۹. لیتل، ریچارد. (۱۳۸۹). *تحول در نظریه‌های موازنه قوا*. ترجمه غلامعلی چگینی‌زاده. تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۱۰. مافی، فرزانه. (۱۳۹۰). «پژوهشی در حوزه آینده‌پژوهی». *پژوهشنامه شماره ۲۳*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۱. محمودی رجا، سیدزکریا. باقری دولت‌آبادی، علی. راوش، بهنام. (۱۳۹۷). «بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی». *فصلنامه بیداری اسلامی*. سال ۷ (۲ و ۳). شماره پیاپی ۱۴.
۱۲. ملکی‌فر، عقیل. (۱۳۸۵). *الفبای آینده‌پژوهی*. تهران: اندیشکده صنعت و فناوری.
۱۳. نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۷۲). *تحولات روابط بین‌الملل*. تهران: قومس.
۱۴. نی‌نوس، برت. (۱۳۷۷). *رهبری بصیر*. ترجمه محمد ازگلی و برزو فرهی. تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۱۵. یزدخواستی، بهجت. پناهی، محمدحسین. مهری، کریم. (بهار و تابستان ۱۳۹۳). «سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک». *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قدرت نرم*. ۴ (۱۰).

۲. منابع انگلیسی

۱. *Attitudes toward the United States*. (2013). available at: www.pewglobal.org
۲. Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development*. CA: Sage.
۳. Braun, Virginia. Clarke, Victoria. (2006). "Using Thematic Analysis in Psychology". *Qualitative Research in Psychology*. 3 (2).
۴. DoD. (1992). *Defense Planning Guidance*. Washington: DoD.
۵. DoD. (2014). *Quadrennial Defense Review 2014*. Washington: DoD.

۶. Fiegenbaum, A. Hart, S. Schendel, D. (1996). "Strategic Reference Point Theory". *Strategic Management Journal*. Vol 17.
۷. Fukuyama, Francis. (1995). *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*. London: Hamish Hamilton.
۸. Gatam, P.K. (2008). *Military Lessons From Israel-Hizbollah War*. available at: www.aei.org
۹. IMF. (April 2019). "World Economic Outlook Database, China's Gross domestic product in constant prices growth rate". Available at: <https://www.imf.org/en/Publications>
۱۰. Jhee, Byong-Kuen. (2008). Anti-Americanism and Electoral Politics in Korea. *Political Science Quarterly*. vol. 123. No. 2.
۱۱. *Methods and Approaches of Future Studies*. available at: www.wfs.org/newineth.html
۱۲. Nye, Joseph. (2002). *The Paradox of American Power: Why the World's Only Superpower Can't Go it alone*. New York: Oxford University Press.
۱۳. O'Connor, Brendon. Griffiths, Martin. (ed.) (2006). *The Rise of anti-Americanism*. London and New York: Routledge.
۱۴. Olago, Tom. (March 07, 2014). *The Expansion of Islam in Europe*. available at: www.prophecynewswatch.com
۱۵. Reisman, Judith A. (2012). *Kinsey: Crimes & Consequences*. New York: Institute for Media Education.

COPYRIGHTS

2025 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>